روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
سه‌شنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ • ۲۱ ذالقعده ۱۴۴۳ • ۲۱ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۰۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۲۰:۴۵
اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

روزنامه شرق

◆ مغازه‌داران و دستفروشان شهر زنجان، وسایل خود را بدون درنظرگرفتن حقوق شهروندی، در پیاده‌راه‌ها قرار داده که باعث مشکلات متعددی در تردد شده است.
عکس: محمد رضاخانی/ باشگاه خبرنگاران جوان

دیالوگ روز

ستاره بود- فریدون جیرانی -۱۳۸۴

ابی مشرقی (خسرو شکیبایی): مردم منو می‌دیدن می‌گفتن مخش تکون خورده. ولی من به مامانم می‌گفتم من دلم تکون خورده نه مخم.
مادرم می‌گفت: گور بابا مخ، تو دلت قد صدتا مخ می‌ارزه، به خدا گفت، به همین زمین قسم گفت.
رها زمانه (اندیشه فولادوند): مادرت نپرسید عاشق کی شدی؟ نپرسید اسمش چیه؟
خسرو شکیبایی: مادرا که از آدم چیزی نمی‌پرسن. همه چیو خودشون می‌دونن.

دغدغه‌های طبیبانه

هویت ملی و زبان فارسی

عبدالرضا ناصرمقدسی
متخصص مغز و اعصاب

هویت ملی ما را چه چیزی تشکیل می‌دهد؟ شاید مهم‌ترین عنصر در ایجاد هویت ملی ما ایرانیان زبان فارسی باشد. من از مادری ترک‌زبان و پدری فارس‌زبان به دنیا آمده‌ام. در گیلان متولد و بالیده‌ام و به لهجه گیلکی عشق می‌ورزم. کودکی‌ام در میان ارامنه گذشته است و گرچه زبان ارمنی را نمی‌دانم؛ ولی با فرهنگ آنها آشنایم. به دلیل شرایط کاری نزدیک دو سال در کردستان زندگی کرده‌ام. زبان کردی را تا حدی می‌فهمم و دوستان کرد بسیاری دارم و به کردستان و فرهنگ عظیمش عشق می‌ورزم؛ اما با همه این احوال زبان فارسی را مهم‌ترین عامل اتحاد ایرانیان و شکل‌دهنده هویت ملی ما می‌دانم. این به آن معنی نیست که زبان‌ها و لهجه‌های دیگر بی‌اهمیت‌اند. این تنوع زبانی و قومی خصلت مهم سرزمین و فرهنگ ایران است. فرهنگی که توانسته برای هزاران سال تمام این اقوام را گرد هم آورده و آنها را با وجود تفاوت‌های زبانی و قومیتی در کنار هم و متحد با هم نگه دارد؛ اما آن چیزی که برای من فضایی برای تفکر می‌آفریند، زبان فارسی است. باید توجه داشت که زبان صرفا وسیله‌ای برای محاوره و گفت‌وگو نیست. زبان عاملی برای تفکر است. زبان به قول هایدگر خانه هستی است و ما در زبان است که هستی پیدا می‌کنیم؛ پس زبان خاطره ماست و زبانی موفق‌تر است که خاطراتش فربه‌تر و غنی‌تر باشد. ازاین‌رو زبان فارسی برای ما مأمنی برای تفکر و پیداکردن هویت به وجود می‌آورد که از سوی بزرگانی همانند فردوسی، حافظ، سعدی، مولانا، خیام و هزاران شاعر و نویسنده دیگر پربار و غنی شده است. زبان فارسی تعدادی کلمه و حرف نیست. زبان فارسی انبوه کتاب‌هایی است که به این زبان نوشته شده، انبوه شعرهایی است که به این زبان سروده شده، انبوه انسان‌هایی است که عمر خود را در راستای ارتقای آن گذاشته‌اند و این حجم بسیار بزرگ است که مکان تفکر ما را تشکیل می‌دهد و هویت ما را شکل می‌بخشد؛ اما این روزها شاید بیش از هر وقت دیگری در تاریخ پرفرازونشیب ایران احتیاج به تقویت نقش زبان فارسی در هویت ایرانیان داریم. زبان فارسی می‌تواند در این شرایط بسیار دشوار همانند زنجیری همه ما را به هم متصل نگه داشته و از فروپاشی و سقوط جلوگیری کند. بگذریم از اینکه این اشعار بزرگ فارسی در این روزها بزرگ‌ترین پناه امثال من هستند تا به آن دل‌شان آرام بگیرد و کمی نفس بکشند. این روزها به همه توصیه می‌کنم شاهنامه را بخوانند. از حافظ غافل نشوند و در دریای غزل‌های سعدی و مولانا غرق شوند. هیچ درمانی بهتر از این سخنان در این روزگار نیست. هیچ طبیبانه‌ای بالاتر از لغت‌هایی نیست که سال‌های درازی است در لوح وجود ما نقش بسته‌اند.

پیشخوان

نگاه نو درباره لرستان منتشر شد

شماره ۱۳۳ فصلنامه نگاه نو برای بهار امسال منتشر شد. این نشریه تخصصی که از مهر ۱۳۷۰ فعالیت خود را با مدیرمسئولی «علی میرزایی» آغاز کرده است، در این شماره به دو موضوع لرستان و «جنگ روسیه علیه اوکراین» می‌پردازد. در بخش لرستان مقالاتی همچون «لرستان و آرزوی دیریاب تجدد و توسعه»، «برنزهای لرستان، پیوندی کهن از صنعت و هنر بشر»، «هنگامی که جهان از شعف گلباران می‌شد»، «۵۰۵ روز استانداری لرستان» و «جهانیست بنشسته در گوشه‌ای» به چاپ رسیده است. در بخش ویژه ۲ «درس‌های بزرگ جنگ روسیه در اوکراین»، مقاله «شیزوفاشیسم» نوشته میخائیل اپشتاین با ترجمه آبتین گلکار و «تحولات اوکراین و تأثیر آن بر انرژی جهان» انتخاب و منتشر شده است. گفت‌وگو با محمد طبیبیان، اقتصاددان سرشناس ایرانی، درباره تصمیمات اخیر اقتصادی که در ایران رخ داده است با تیتر «اصلاحات اقتصادی آری ولی این‌گونه نه» از مطالب این شماره است. داستان پسرک از لیژیا فاگوندس تلیس و ترجمه پژمان رضایی از دیگر مطالب این شماره است و مقالاتی از نصرالله کسرائیان و فرخنده حاجی‌زاده و چند خاطره از محمد ترکمان دیگر مطالب خواندنی این فصلنامه است. در این نشریه فراخوان دوره شانزدهم جایزه مهتاب نیز منتشر شد که قرار است به بهترین مقالات و نویسندگان آثار منتشرشده در شماره‌های سال ۱۴۰۰ نگاه نو اختصاص یابد. این شماره فصلنامه ۲۶۰ صفحه دارد و با مبلغ ۷۵ هزار تومان منتشر شده است.

فقر را از جامعه حذف کنید نه زنان را

نفیس بهار
خبرنگار از افغانستان

سال تحصیلی در کشورهایی مثل ایران و ترکیه به پایان رسیده است و دختران افغان دغدغه این را دارند که آیا بار دیگر می‌توانند سر کلاس‌های درس حاضر شوند. مکاتب دخترانه در افغانستان با وجود وعده‌های بازگشایی از سوی طالبان، به روی دختران بسته ماند.

گفته‌های بی‌عمل

به تاریخ ۲۴ اسد سال ۱۴۰۰ که کرسی حکومت توسط طالبان تصرف شد، چشم‌انداز تغییر در پالیسی تعلیم و تربیه ملی را نیز به همراه داشت. درهای مکاتب به روی دانش‌آموزان که پس از آخرین بار تعطیلات ویروس کرونا و ناامنی در سرتاسر کشور در ماه‌های جوزا و سرطان بسته شده بود به تازگی بازگشایی گردیده بود که دوباره با آمدن طالبان مهرلاک گردید اما بعدها مکاتب پسرانه و مکاتب دخترانه (دوره ابتداییه) بازگشایی شد که در این میان مکاتب دخترانه دوره متوسطه و دوره لیسه همچنان بسته ماند. این معضل در دهه ۹۰ (دوره قبلی طالبان) همچنان وجود داشت که دختران مکاتب سنین بالاتر را از مکتب محروم و زنان را از وظایف بیرون از خانه منع و خانه‌نشین کردند، اما این بار به باور تعدادی از آگاهان طالبان با رویکرد جدیدی وارد افغانستان شده بود، رویکردی آمیخته با ایدئولوژی مدرن‌تر؛ اما این رویکرد فقط در گفتمان‌های تابه‌حال دیده شده است. در اعلامیه‌ای که از سوی سرپرست معارف دولت طالبان درباره مکاتب به نشر رسیده بود، دلیل بسته‌شدن مکاتب را برای دختران بالاتر از صنف ششم عدم امکانات لازم و نامناسب‌بودن مواد آموزشی و محیط سالم عنوان کرده بود. سرپرست وزارت معارف گفته بود که آنها روی طرحی برای ایجاد یک محیط سالم و ایمن برای دختران که مطابق احکام و شریعت اسلام باشد کار می‌کنند و این طرح نیز به اسرع وقت تکمیل و مکاتب دخترانه در سراسر افغانستان بازگشایی خواهد شد. با این حال ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، گفته بود که در مناطق پرجمعیت داشتن صنوف جداگانه برای دختران و پسران کافی نیست، بلکه آنها ضرورت به ساختمان جداگانه دارکه در دستور کار امارت قرار دارد. اما ۹ ماه و نیم از این وعده‌ها می‌گذرد و تا هنوز دختران صنوف بالاتر اجازه رفتن به مکتب را از سوی امارت نیافته‌اند.
حتی بسیاری از مکاتب دخترانه که دارای ساختمان مجزا هستند و معلم مرد ندارند و قبلا تمام شرایط تعیین‌شده طالبان را تکمیل کرده‌اند، همچنان اجازه بازگشایی نداده‌اند و مقامات طالبان تا هنوز هیچ توضیحی در این مورد ارائه نکرده‌اند.

انتظاری که به سر نیامد

با آغاز سال جدید و با به‌صدادرآمدن زنگ مکاتب با وجود ماه‌ها انتظار و محرومیت دختران مکاتب سنین بالاتر امیدوار به نظر می‌رسید و با شور و شوق تمام برای رفتن به مکتب آمادگی گرفته بودند. در نخستین روزهای بازشدن مکاتب دختران وارد مکاتبشان شدند و اشک شوق ریختند اما اشک‌های شوق دخترکان به زودی به اشک ناامیدی و یأس تبدیل شد و مجبور شدند که دوباره با ریختن اشک مکتب را ترک کنند. هر روزی از زندگی دختران و زنان افغان آبستن از دردها و رنج‌های جدیدی است که پایانی ندارد.
در گفت‌وگویی که با یکی از دختران دانش‌آموز داشتم ناامید به نظر می‌رسید و من این ناامیدی را هنگام گفت‌وگو به‌وضوح در سیما و سخنانش حس کردم. شگوفه دختری از دل کوهپایه‌های دایکندی که صنف هفتم مکتب را پشت سر گذاشته اما بخت یاری نکرده که صنف هشتم را فراگیرد، به گفته خودش از یک خانواده فقیر است که سه برادر دارد و خودش تنها دختر والدینش می‌باشد. پدر شگوفه در زمین‌های زمین‌داران با مزد اندکی کشاورزی می‌کند تا نفقه اهل و عیالش را برساند. او با وجود سختی‌های فراوان اما فرزندانش را حمایت کرده تا درس و تعلیم فراگیرند. به گفته شگوفه آنها در وضعیت بد اقتصادی قرار دارد اما آرزوهای بزرگی در سر داشت که با آمدن طالبان آرزوها و رؤیاهایش را در حال نابودی می‌بیند.

آرزوی آوازخوانی

شگوفه می‌گوید «من می‌خواهم در آینده آوازخوان شوم اما اگر طالبان مانع شود که آوازخوان شده نتانم می‌خواهم خبرنگار شوم». دلیل آوازخوان یا ژورنالیست‌شدن شگوفه را که جویا شدم در پاسخم گفت می‌خواهد دردها و رنج‌هایی که خودش به عنوان یک دختر در افغانستان کشیده را به گوش جهانیان برساند و بسراید. با آنکه شگوفه هنوز در رده سنی نیست که از او توقع داشته باشیم که درکی از درد و رنج داشته باشد اما او با سخنانش درد و رنج را به خوبی بیان می‌کند. به گفته شگوفه او از اینکه نمی‌تواند به مکتب برود احساس بدی دارد و هر روز برای بازگشتن به مکتب لحظه‌شماری می‌کند. او که بین هم‌صنفانش شاگرد دوم صنف خودش است درحالی‌که اشک در چشمانش حلقه زده با تأکید می‌گوید «اگر مکتب باز نشود و دوباره درس خوانده نتانم احساس می‌کنم که می‌میرم من واقعا می‌خواهم درس بخوانم». شگوفه مثل سایر دختران در صورت بازنشدن مکاتب به رویشان نگران ازدواج اجباری و زودرس است، چیزی که با آمدن طالبان برای اکثر دختران تبدیل به کابوس وحشتناکی گردیده است.

مخالفانی که ناپدید می‌شوند

بازنشدن مکاتب برای دختران متوسطه و لیسه در افغانستان با مخالفت‌های شدید داخلی و خارجی روبه‌رو شده است، اما طالبان تا به حال هیچ پاسخ قناعت‌بخشی ارائه نکرده‌اند. در آخرین موردی که فعالان حقوق زن در کابل خواستار بازگشایی مکاتب و لغو فرمان‌های زن‌ستیزانه طالبان شدند، با شعار «یک روز به مکتب نرفتن، صد روز بی‌سوادماندن» و «فقر را از جامعه حذف کنید نه زنان را» با خشونت شدید از سوی طالبان مواجه شدند. به گفته اشتراک‌کنندگان، طالبان خبرنگارانی را که برای پوشش خبری در ساحه آمده بودند، به شدت لت و کوب، معترضان را با شلیک‌های هوایی از ساحه پراگنده و تعدادی را با خودشان بردند که از سرنوشتشان تا اکنون هیچ خبری نیست. با این حال چندی پیش تصاویری از دانش‌آموزان مکاتب دخترانه در بلخ منتشر شد که با پوشش مشخصی که به نظر می‌رسید یونیفورم تعیین‌شده برای دختران از سوی امارت است، در صفحات اجتماعی منتشر شده بود که خبری از بازشدن مکاتب دخترانه در ولایت بلخ می‌داد که از سوی برخی از کاربران اجتماعی مورد انتقاد قرار گرفته بود و اکثر کاربران از هوای گرم و سوزان بلخ یاد کرده و گفته بودند که پوشش سراپا سیاه و بلند با روبند در این هوای سوزان برای دختران زجردهنده است و امارت باید در این مورد تجدید نظر کند.

زیر پوست شهر

رتبه‌بندی معلمان در خان هشتم

قانونی که اجرا نمی‌شود!

حسین معافی

بعد از سال‌ها کش‌وقوس بالاخره قانون نظام رتبه‌بندی معلمان در اسفندماه ۱۴۰۰ توسط مجلس و شورای نگهبان تأیید و به قانون تبدیل شد و به این سریال تکراری ناامیدکننده پایان دادند. در ماه‌های گذشته، هم دولت و مسئولین وزارتخانه آموزش‌وپرورش و هم اعضای کمیسیون آموزش مجلس از اجرای قریب‌الوقوع رتبه‌بندی خبر می‌دادند و هر یک وعده‌هایی از اجرائی‌شدن آن در هفته معلم و پایان خردادماه را داده‌اند. قانون رتبه‌بندی در اختیار دولت و وزارت آموزش‌وپرورش قرار گرفت تا آیین‌نامه آن را تنظیم و برای اجرا در دولت تصویب کند. در همان روزهای اول مواردی در این آیین‌نامه قید شد که با اعتراض شدید فرهنگیان روبه‌رو شد چراکه بسیاری از معلمان مدارک و مستندات کافی برای دریافت رتبه‌های بالا را نداشتند و آن را سخت و دست‌نیافتنی می‌دانستند که پس از اعتراض فرهنگیان، بخش‌هایی از آن حذف و تعدیل شد تا بیشتر معلمان بتوانند از رتبه‌های بالایی برخوردار شوند. ولی هنوز آیین‌نامه آن در دولت تصویب نشده و در اجرای آن اختلافات جدی وجود دارد تا جایی که خبری مبنی بر انجام آزمون توسط سازمان سنجش را مطرح کرده‌اند و این نشان از عدم توافق و عدم عزم جدی بر اجرای قانون رتبه‌بندی معلمان در دولت دارد. رحمت‌الله نوروزی نماینده مردم علی‌آبادکتول در نشست علنی یکشنبه، یکم خردادماه مجلس شورای اسلامی اعلام می‌دارد: در قانون رتبه‌بندی فرهنگیان یک ماه به دولت وقت داده شده است تا آیین‌نامه آن را تدوین کند. فرهنگیان چشم‌انتظارند، بااین‌حال آقای علی احمدی در سازمان برنامه‌وبودجه می‌خواهد پاداش بازنشستگان و کسورات قانونی را از لایحه اعتبار کم کند. مجموعه صحن و اعضای تلفیق کمک کردند تا رتبه‌بندی از شهریور ۱۴۰۰ اجرائی شود، چرا الان مانع‌تراشی می‌شود. این آبروی مجلس است و باید برای حفظ آن تلاش کرد. جبار کوچکی‌نژاد نماینده رشت نیز در تذکر شفاهی، گفت: قوه مقننه رتبه‌بندی فرهنگیان را تصویب کرد که به‌عنوان اقدام بسیار بزرگ مجلس یازدهم محسوب می‌شود و بر اساس قانون دولت سه ماه وقت داشت تا آیین‌نامه این قانون را تصویب کند اما اخیرا شنیده شده درصدد اعمال تغییراتی در آیین‌نامه هستند که اصل قانون را زیر سؤال می‌برد لذا کمیسیون آموزش مجلس باید نسبت به این موضوع دقت کرده و آن را بررسی کند. وی با بیان اینکه با اجرای طرح رتبه‌بندی پرداختی معلمان از تاریخ ۳۱ شهریورماه سال ۱۴۰۰ خواهد بود، ادامه داد: اجرای طرح رتبه‌بندی که به دغدغه اصلی فرهنگیان تبدیل شده طی ماه آینده به مرحله اجرائی خواهد رسید. حمیدرضا حاجی‌بابایی وزیر اسبق آموزش‌وپرورش و رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس در صفحه شخصی خود در توییتر نوشت: رتبه‌بندی معلمان، سخن حقی است که از زبان معلمان بیان می‌شود و لازم است که: ۱- دولت با سرعت، دقت، بلندنظری انجام دهد. ۲- تمام ۳۸ هزار میلیارد تومان را برای سال ۱۴۰۱ هزینه کند. ۳- بر اجرا نظارت کامل خواهیم کرد. اکنون که قانون رتبه‌بندی هفت‌خان رستم را برای تأیید و اجرائی شدن پشت سر گذاشته و مجلس و دولت برای اجرای آن از شهریور ۱۴۰۰ توافق کرده‌اند، اینک این قانون برای تصویب آیین‌نامه اجرائی که وزارت آموزش‌وپرورش مشخص کرده در خان هشتم و هیئت دولت متوقف شده و منتظر تصویب نهایی است. تعدادی از فرهنگیان نسبت به اخبار مطرح‌شده و ضدونقیض در فضای مجازی مبنی بر اجرای رتبه‌بندی در شهریور و همچنین سرعت کند آن گلایه دارند و خواستار اجرای سریع این قانون هستند. امیدواریم که هیئت دولت نیز با نگاهی مثبت و سازنده و در اولین فرصت، این آیین‌نامه را تصویب کند تا فرهنگیان گرامی با فراغ بال و آرامش بیشتری به امر آموزش بپردازند و از شایعات و جوسازی‌های موجود رهایی یابند.

هنر خوانی

به بهانه نمایش پروین

تداعی گر خشونت پنهان علیه زنان

طیبه سیاوشی شاه‌عنایتی

در روزهای اخیر در مهم‌ترین تماشاخانه پایتخت و برای اولین‌بار، به زندگی یکی از نوادر فرهنگ ایران، پروین اعتصامی پرداخته شده است. گرچه دیدن این نمایش در شرایط سختی که اکنون داریم می‌تواند حُکم مُخدّر یا مُسکّنی موقت را داشته باشد، هرچند مواجهه با مصائب فردی و اجتماعی این شاعر، همچنان حکایت از هسته سخت لایتغیر و باقی‌مانده ساختار مردسالار آن دوران دارد که هنوز پابرجاست و حتی اشک را به چشم تماشاگر می‌نشاند.
البته در اشعار پروین، انعکاسی از احوال شخصی، خشونت خانگی (در مدت ازدواج کوتاهش) یا سختی‌های روزمره‌اش و شرایط سیاسی و اجتماعی زمانش را نمی‌بینیم؛ اما در تنها اثر باقی‌مانده‌اش، شجاعت و آزادمنشی موج می‌زند. پروین در دیوان اشعارش در سبک مناظره به‌خوبی از بحران‌های مستولی بر کشور پرده برمی‌دارد و مانند یک کنشگر سیاسی به اجتماع خود اهمیت داده و آن را در هنرش دخالت می‌دهد. خصوصیات منحصربه‌فرد اشعارش در ساختار مردسالارانه جامعه ایرانی موجب شد اشعارش را به مردان دیگر منتسب کنند و یک زن را در قامت شاعر نبینند. اما میراث پروین با وجود تلخکامی‌ها تا به امروز درخشیده و اشعارش بر زبان کودکان، بزرگان و نویسندگان جاری است.
گرچه در این نمایش قابل تحسین، به حاشیه زندگی خصوصی تلخ وی بیش از متن خلاقانه آن پرداخته شده، اما این امر یک بار دیگر لایه پنهان و گاه به اشکال مختلف آشکار خشونت علیه زنان را تداعی می‌کند. چیزی که هنوز با مصادیق و نمودهای آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. همان‌طورکه در روزهای گذشته آمار تکان‌دهنده توسط یکی از مقامات دولتی اعلام شد: ثبت ۷۵ هزار مورد خشونت خانگی در سال ۱۴۰۰ در پزشکی قانونی کشور! قاعدتا این میزان از خشونت ثبت‌شده و هزاران خشونت ثبت‌نشده، نیاز به توجه دستگاه قانون‌گذاری دارد.
بیش از ۱۰ سال از تلاش جامعه حقوقی و فعالان اجتماعی در قالب لایحه تأمین امنیت زنان می‌گذرد که توسط دولت دوازدهم به مجلس یازدهم تقدیم شد و همچنین بیش از یک سال از تصویب قید فوریت بررسی این لایحه می‌گذرد؛ ولی همچنان خبری از ارسال آن به صحن علنی نیست.
بدیهی است یکی از مؤثرترین راهکارها برای خروج از بن‌بست ساختار مردسالارانه جامعه ایرانی و تقویت خانواده پایدار، تصویب و اجرای این لایحه خواهد بود. به امید رسیدن روزی که نمودهای رنج‌های زنان مشاهیر و حتی عموم زنان ایرانی، چیزی فراتر از پرده‌های نمایش و فیلم‌ها و داستان‌ها و صفحات تاریخ نباشد.